انتخابات و مشارکت سیاسی افراد

فریدونی، فرحناز

فرحناز فریدونی‏ کارشناس ارشد ارتباطات‏ مشارکت در انتخابات نوعی کنش اجتماعی است که به بقای نظام اجتماعی کشور یاری‏ می‏رساند و بدین شکل است که این کنش اجتماعی با دربرگیری ابعاد ذهنی و عینی خود پرده از هویت سیاسی کنشگران اجتماعی برداشته و زوایای پنهان تعاملات فرهنگی و پویش‏های‏ ساختاری نظام اجتماعی را عیان می‏سازد.با توجه به این مهم بررسی کنش اجتماعی انتخابات‏ بر پایه تفهیم منویات کنشگران و تفسیر آن در سطوح خرد،کلان و میانی نظام اجتماعی در راستای تثبیت،اصلاح و حتی تغییر روان سپهر حیات جمعی به کار می‏آید.

با این مقدمه تحلیل کنش‏های اجتماعی انتخاباتی در ابعاد اجتماعی،اقتصادی،سیاسی و فرهنگی و در سطوح مختلف جامعه به شناسایی ثبات،مشروعیت نظام‏های جامعه تطور آرا می‏انجامد و نشان می‏دهد که به چه شکل دیالکتیک مناسبات سطوح اجتماعی در قالب‏ فرآیندهای جامعه‏پذیری نهادین فرد را به مشارکت جذب و یا مشارکت باز می‏دارد.

از سوی دیگر اگر بپذیریم که از یک‏سو نهاد مبین هرگونه اعتقاد،ارزش،مفهوم سازمان یا پدیده‏ای است که طی شرایط و فرایندهای تاریخی با مجموعه‏ای از اهداف،کنش‏ها و کارکردهای‏ معین مشخص شده و از سوی دیگر«جامعه‏پذیری سیاسی فرایندی است که طی آنان انسان‏ها با نظام سیاسی در قالب یک نظام اجتماعی آشنا شده و به وسیله آن واکنش خود را در برابر پدیده‏های سیاسی تعیین می‏کنند»در این صورت می‏توانیم بگوییم که جامعه‏پذیر،سیاسی‏ نهادین به مانند زیرمجموعه جامعه‏پذیری آدمیان در هر نظام‏ اجتماعی است که شرایط تکوین شخصیت و تربیت و مشارکت اجتماعی اعضای جامعه را فراهم‏ می‏آورد و کنش‏های سیاسی او نظیر مشارکت در انتخابات و عرصه‏های‏ سیاسی را تعیین می‏کند.

در این راستاست که می‏توان از مشارکت به عنوان معیار ارزیابی به میزان‏ قوت،ثبات و مشروعیت نظام نام برد و عوامل ماندگاری و قوت یافتن و تضعیف کننده را شناسایی کرد.

به بیان دیگر در فرایند جامعه‏پذیری‏ نهادین اعضای جامعه با نظام سیاسی آشنا شده و عکس‏العمل خود را در برابر پدیده‏های اجتماعی و مشارکتی شکل می‏دهند.یکی از فرایندها،عکس‏العمل‏هایی است که در قالب درجات مشارکت آحاد جامعه در نظام جلوه می‏کند و خود ضامن بقای نظام می‏شود.از همین رویکرد نظام سیاسی می‏کوشد به اتکای تداوم‏ تبلیغات جامعه‏پذیرانه و انتقال هنجارها و ارزش‏های مورد نظر خویش،قوام و بقای کارکردیش‏ را استمرار بخشد.

این گونه کارکردها مبتنی بر انجام وظیفه دولت،فعالیت در جهت ساماندهی نظام اجتماعی‏ و کوشش برای نفوذ و کسب قدرت می‏باشد.در واقع تمایل به اعمال قدرت حتی علیرغم مقاومت‏ دیگران مبین این نکته است که سیاست حاوی رابطه‏ای خاص میان افراد گروه انسانی است.بر این اساس منویات سیاسی که عمدتا توسط دولت به مثابه مشخص‏ترین نظام سیاسی حاکم‏ دنبال می‏شود،از طریق فرایند جامعه‏پذیری سیاسی به درون شریان‏های نظام شخصیتی‏ اعضای جامعه تزریق شده و از این حیث تداوم اراده‏ی خویش را به شکلی شرطی و نهایی‏ ترسیم می‏کند،چرا که در فرایند جامعه‏پذیری سیاسی،این‏گرایش‏ها و ارزش‏های سیاسی در افراد نهادینه می‏شود و بر همان اساس به ایفای کنش سیاسی می‏پردازند.

در اینجا لازم به ذکر است که تحقق بهینه انتقال ارزش‏ها از ناحیه فرایند جامعه‏پذیری‏ سیاسی محتاج نهادهای اجتماعی بر پایه اهداف و هنجارهای حاکم است به ویژه این‏ سازماندهی بدون هماهنگی نهادهای اجتماعی در راه تربیت سیاسی نامتعارض با نظام سیاسی‏ ارزشی ندارد.

مشارکت در انتخابات فرایندی سیاسی

همان طور که قبلا اشاره شد انتخابات کنشی است که همواره به تعریف وتبیین میزان‏ مشارکت در عرصه نظام اجتماعی می‏پردازد.به دیگر سخن انتخابات با بیان خصوصیات‏ اجتماعی،اقتصادی و فرهنگی رای‏دهندگان و رای‏آوران و رای‏خواهان سیاسی،سیاق گزینش‏ نامزدهای انتخاباتی را معرفی می‏کند و با تاکید بر شرایط تعاملاتی تلاقی آرمان‏ها و انتظارات‏ فردی و ساختی سیاسی و از سوی دیگر به تحلیل فرایند تربیت سیاسی،چگونگی ایفای‏ نقش‏های سیاسی و موضع‏گیری رای‏دهندگان نسبت به نظام حاکم سیاسی می‏پردازد.

با این تعاریف انتخابات یکی از عینی‏ترین روش‏های تبلور افکار عمومی است که با ویژگی‏هایی چون جهت،شدت،برجستگی،وفاق به عنوان یکی از سطوح اولیه مشارکت مطرح‏ می‏شود.در این بحث منظور از جهت انتخابات همان سمت‏وسوی ارایه عقیده‏ای خاص است و منظور از شدت انتخابات میزان قوت از عقیده‏ای خاص است و منظور از برجستگی انتخابات، میزان قوت دفاع از عقیده مزبور می‏باشد.

برجستگی انتخابات خود نشانگر شدت است،بین چیستی و اهمیت عقیده‏ای است که قویا از آن دفاع می‏شود و در نهایت سازگاری انتخابات نیز با ارجاع به روابط یا عقاید نشاندهنده حدود انطباق و همخوانی میان عقاید موجود است.

بنابراین تحلیل انتخابات به مثابه یکی از حوزه‏های مردمی مشارکت سیاسی در بطن نظام‏ اجتماعی به اتکای شرایط اجتماعی و زمینه‏های تاریخی جامعه توضیح می‏دهد که تحمل‏ مشارکتی و تعاملاتی اراده‏های حاکمان و تابعان فرایندهای سیاسی تا چه حد می‏تواند که‏هزینه‏ و ابطال‏گرایانه و غیرخشن باشد و ضمن تداوم مبارزه و رقابت سیاسی در متن ساخت‏ جامعه،مقبولیت ذهنی نظام سیاسی و استمرار اصلاح ساختار جامعه را به ارمغان آورد.

سخن آخر

تمایل و انگیزه انتخاب مردم از یک‏سو حاکی از نیازهای اجتماعی بوده و از طرفی آرمان‏ها و ارزش‏های مورد انتظار اجتماعی را به منصه‏ی ظهور می‏رساند.این ابعاد در حیطه تعاملات‏ اجتماعی،بنیانی برپا می‏دارد که پایه آن چیزی جز نشان ابطال‏گرایی به جای امحاگرایی نیست‏ و این مقدمات موجب می‏شود که در سطح کلان،استعداد تغییرپذیری جهشی و خشن نظام‏ سیاسیت به امکان اطلاح‏پذیری بطنی و آرام نظام سیاست اجتماعی مبدل شود و این امر به‏ واسطه تفاسیر نوع دوستانه آحاد جامعه،مجددا در عرصه تراکم‏پذیر فرهنگ انسانی کارساز می‏شود.

به این ترتیب با طی طریق مزبور است که خودرایی به جامعه‏رایی می‏پیوندد و فردگرایی از جمع‏گرایی می‏زداید و انتخاب موید اعتماد می‏گردد و توازن به‏ جای بحران می‏نشیند تا بدین نحو کلیه جوانب ذهنی و عینی کنش، منافع فردی وجمعی تعامل و مقتضیات‏گرایش و انتظاراتی‏ ساخت پویش‏های سیاسی مایه قوام نظام اجتماعی واقع‏ شود و نوید تعلق‏گرایی به جامعه را در تخریب‏گرایی‏ سیاسی خلاصه نماید و تاکید دارد که مشارکت ساختی از مشارکت درونی در حیطه انتخابات مجزا بوده و یگانه ابزار قدرتمند تحکیم حاکمیت،مطالعه عملی شیوه‏های جلب‏ مشارکت انتخاباتی درونی آرامش‏بخش از فضای سیاسی‏ رقابتی و انحصاری در راستای تقویت مقبولیت ساختی آن‏ می‏باشد.